



مافیای آب در ایران

مقدمه

بحران آب شرب در سال ۱۴۰۴ واقعی بود. اما هر بحرانی دو وجه دارد: یکی آنچه می‌بینیم و دیگری آنچه نمی‌بینیم. آنچه دیدیم: کاهش ذخیره سدها به ۵ درصد، قطعی شبانه آب، هجوم مردم به بازار پمپ و مخزن، صف تانکرهای آب در حاشیه شهر، تعطیلی و هشدار برای تخلیه تهران و همچنین جدال متولیان و مسئولان.. بود. اما آنچه دیده نشد، پشت این صحنه بود! اینکه چه کسانی و با چه مکانیسمی از این تشنگی سود بردند؟ چرا هر بار بحران آب شدت می‌گیرد، ابرپروژه‌های گران به شکل تعریف یا تکمیل از راه می‌رسند؟ چرا همیشه راه‌حل‌های ساده و ارزان‌تری وجود دارند، اما نادیده گرفته شده یا رها می‌شوند؟!

پاییز ۱۴۰۴، رسانه‌های ایران کوشیدند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند: نام آن را «مافیای آب» گذاشتند. اما این مافیا کیست و چگونه عمل می‌کند؟ این یادداشت مروری است بر آنچه گذشت..

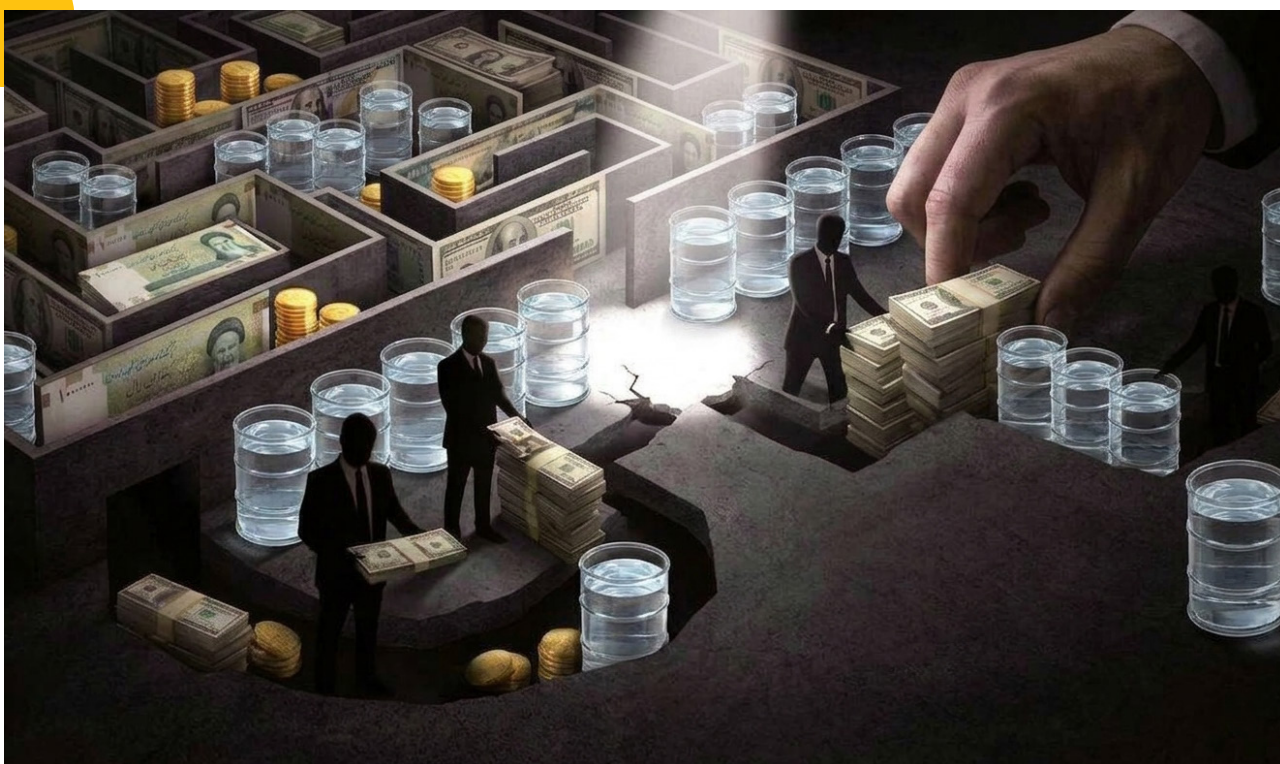
طرح اتهام مافیا و تعاریف

با آشکار شدن فاصله عمیق میان تبلیغات در مهار بحران آب و واقعیت میدان در پائیز ۱۴۰۴، رسانه‌های داخلی برای نخستین بار به صورت گسترده به سراغ طرح اتهام علیه «مافیای آب» رفتند. مفهومی که تا پیش از این به صورت جسته و گریخته در محافل عمومی و تخصصی مطرح بود، ناگهان به بحث داغ رسانه‌ها تبدیل شد. البته تنور این بحث را پیشتر عیسی کلانتری، رئیس سابق سازمان محیط زیست و وزیر اسبق جهاد کشاورزی، در مردادماه همین سال روشن کرده بود. زمانی که در گفت‌وگویی صریح شرکت «مهاب قدس» را به عنوان تصمیم‌گیرنده مافیای آب معرفی کرده بود و این شرکت مهندسی مشاور را به انحصار پروژه‌های مطالعاتی و دریافت درصد از هر قرارداد متهم کرده بود که شبکه‌ای فاسد را رهبری می‌کند. او همچنین از: «قرارگاه خاتم‌الانبیاء» به عنوان نابودگر بخش خصوصی آب در ایران نام برده بود. در واکنش، عیسی

بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب، وجود «ماfiای آب» را رد کرده و آن را «بی‌انصافی» خوانده بود، هرچند فساد «موردی» را نفی نکرد. شرکت «مهاب قدس» نیز در بیانیه‌ای اتهامات را رد کرد اما به جزئیات اتهامات طرح شده، پاسخ نداد. اما آیا واقعاً شبکه‌ای سازمان‌یافته پشت بحران آب وجود دارد که با مدیریت هوشمندانه بحران‌ها، پروژه‌های پرهزینه را به نفع خود تمام می‌کند؟

بیژن همدرسی مافیای آب را شبکه پیچیده‌ای از پیمانکاران، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان اقتصادی معرفی کرد که در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیری حضور دارند که به معنای همسانی ناظر و متخلف است. دست‌های پنهانی که بر سیاست‌های آبی کشور سایه انداخته‌اند و از دل پروژه‌های چندین هزار میلیاردی سدسازی‌های بی‌ضابطه و انتقال‌های پرهزینه سر برآورده‌اند. گروه‌هایی که از آب به عنوان ابزار سلطه و مدیریت تشنگی استفاده می‌کنند. پاپلی یزدی مافیای آب را شبکه‌ای پیچیده حول اقتصاد آب تعریف می‌کند که از مصرف بیشتر آب ارتزاق می‌نماید و حال که دوره سدسازی به اتمام رسیده است، به دنبال انتقال آب و آب شیرین‌کن هستند! انوش نوری اسفندیاری در گفتگو با جهان صنعت مافیای آب را همان‌هایی معرفی می‌کند که حاکمیت را وادار به اجرای پروژه‌های هزینه‌بر ولی کم‌اثر می‌کنند! در حالیکه این امکان وجود داشت که با راه‌حل‌های ساده‌تر به مقابله با بحران آب رفت. او این مافیا را آنچنان قدرتمند می‌داند که نظام ملی را به اجبار به زیر بار هزینه‌های بسیار سنگین طرح‌هایی همچون انتقال آب از خلیج فارس به مرکز ایران می‌برد، در حالیکه اجرای طرح‌هایی با هزینه کمتر و کارایی بیشتر رها شده است. سمیه رفیعی، نماینده مجلس و نائب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس از شبکه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران حوزه آب به عنوان مافیا نام می‌برد که تعدادشان به شمار انگشتان یک دست نیز نمی‌رسد و ریشه بحران امروز آب هستند. فرشاد مؤمنی نیز پیشتر از ردپای این گروه در بحران‌های زیست محیطی سخن گفته بود. آنها که برترین فعالیت‌ها را در کم‌آب‌ترین مناطق ایران گسترش داده و برای تبرئه خود و انحراف اذهان سیاست‌گذاران و افکار عمومی، آمارهای مجعول و غیرواقع‌بینانه ارائه نموده‌اند. محمدرضا محبوب‌فر، کارشناس محیط‌زیست اما تصویر تفصیلی‌تری از اجزای این شبکه ارائه می‌دهد. وی مافیای آب را محصول منفعت‌جویی اقتصادی برخی از جریان‌ها و افراد می‌داند که توسعه ناپایدار و توهم توسعه را در خصوص محیط‌زیست کشور دنبال می‌کنند. او ضلع نخست مافیای آب کشور را دولتی می‌داند. وزارت نیرو، شرکت‌های اقماری وابسته به وزارت نیرو، شرکت‌های مهندسی بهره‌بردار، شرکت‌های پیمانکاری و مهندسين مشاور در این زمره قرار می‌گیرند. اینها سالیان سال و بلکه دهه‌هاست که با وزارت نیرو کار می‌کنند و به نام پروژه‌های عمرانی سدسازی،

انتقال آب و بسیاری از پروژه‌های مخرب زیست‌محیطی با وزارت نیرو همکاری داشته‌اند. محبوب درباره ضلع دوم مافیای آب، از مجلس شورای اسلامی در ادوار مختلف نام می‌برد. نمایندگانی که به سبب منافع استانی و منطقه‌ای خود، تبلیغات و جمع‌آوری رأی در دوره‌های بعد، با وزارت نیرو و مافیای اقتصادی در وزارت نیرو همکاری داشته‌اند. در تشریح ضلع سوم، محبوب‌فر به دانشگاه‌های کشور اشاره می‌کند! به این شکل که اقدامات ضد محیط‌زیستی و ضد توسعه پایدار را در قالب توجیهات علمی و پروپوزال‌های علمی-تحقیقاتی، به صورت جهت‌دار و هدفمند در وزارت نیرو توجیه می‌کنند. محمد ارشدی، پژوهشگر حکمرانی آب، به جای «مافیا» از عبارت «الیگارشی‌های آبی» برای تأکید بر نهادینگی این فساد استفاده می‌کند و به جای شبکه‌های غیررسمی، بر نقش ساختارهای نیمه رسمی و رسمی قدرت در شکل‌گیری این جریان تأکید دارد. گروه‌هایی که نه در پنهان، بلکه در دل نهادهای رسمی - وزارت نیرو، مجلس، پیمانکاران ویژه - رشد کرده و با آنها پیوند خورده‌اند. تفوق نگاه فنی-سازه‌ای و پروژه‌محور به آب، این الیگارشی‌ها را چنان قدرتمند ساخته که امروز مسیر اصلاح حکمرانی آب را به انسداد کشانده‌اند. اینها به بحران‌ها نه به عنوان تهدید، که فرصتی برای پروژه‌سازی می‌نگرند. از نگاه او الیگارشی‌های آبی، همان مافیای آب است، اما با چهره نهادی و رسمی (تفاوت در ماسک و نه بازیگر). ارشدی عملاً می‌گوید: شما اگر منتظر دستگیری یک «باند» هستید، اشتباه می‌کنید! این سیستم است که چنین جریان‌هایی را بازتولید می‌کند. ارشدی همچنین ضلع دوم مثلث محبوب‌فر را با جزئیات بیشتری تشریح می‌کند. او به طور مشخص به رابطه نمایندگان مجلس با بهره‌برداران بزرگ آب اشاره می‌کند و اینکه چگونه آنها در بده‌بستان با کاندیداهای مجلس، به ازای وعده‌های آبی پس از انتخاب، از آنها حمایت می‌کنند و بعد از انتخاب، آن نماینده تقریباً به عامل تخصیص امتیازات آبی بدل می‌شود. در واکنش به این انتقادات، بزرگ‌زاده در گفتگو با رکنا، از کلیشه «تعارض منافع» به عنوان ریشه چالش‌های حوزه آب یادکرد و کوشید تا صحبت‌های مطرح‌شده را به دغدغه‌هایی درباره شفافیت، عدالت و کارآمدی مدیریت منابع آب نسبت داده و آنها را ناشی از کاستی در ساختار اداری و تصمیم‌گیری معرفی نماید. اینکه اینها همه به خاطر آن است که صادرکننده مجوز، فروشنده و ناظر هر سه یکی هستند. البته او تلویحاً فائق آمدن انگیزه‌های مالی و فشارهای سیاسی بر منافع ملی را تأیید می‌کند، ولی آن را در سطح ضعف ساختاری تقلیل می‌دهد. خلاصه آنکه مافیای آب نداریم، بلکه تعارض منافع داریم! و برای رفع این مشکل هم وزارت نیرو در برنامه هفتم توسعه بندی گنجانده است! (کشایشی به بندی).



مافیا به عنوان چارچوب تحلیلی

مرور رسانه‌های داخلی در پاییز ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که مفهوم «مافیای آب» در ایران دیگر یک اتهام حاشیه‌ای یا نظریه توطئه نیست، بلکه به چارچوبی تحلیلی برای فهم بحران آب تبدیل شده است. چارچوبی که بر وجود یک «شبکه فساد ساختاری» تأکید دارد؛ نه فسادهای موردی و پراکنده!

در ادبیات رسانه‌ای و گزارش‌های تحلیلی، مافیای آب به عنوان نماد اقتصاد رانتی و فقدان شفافیت معرفی می‌شود. زنجیره‌ای از مشاوران، پیمانکاران و مدیران که با ایجاد تعارض منافع، سیاست‌های کلان آبی کشور را در مسیر منافع خود قرار می‌دهند. در این ساختار، منافع کوتاه مدت این گروه‌ها بر بقای منابع آب و توسعه پایدار ارجحیت پیدا می‌کند. در واقع مافیای آب نقطه تلاقی و نمود بارز ناکارآمدی اقتصادی (اقتصاد رانتی) و حکمرانی (بد) شناخته می‌شود. این به معنای پذیرش منطق حاکم بر «اقتصاد سیاسی» آب در ایران است! از این منظر آب دیگر یک کالای عمومی نبوده، بلکه یک «رانت» است؛ رانتی بزرگ‌تر از نفت! این رانت، ساختارهای نیمه‌رسمی و رسمی قدرت را تغذیه می‌کند. در این ساختار، سیاست‌گذار، مجری و ناظر هر سه یکی هستند و بحران نه یک تهدید که فرصتی برای بازتعریف پروژه‌های پرهزینه و انحصاری است. محصول آن ایجاد شبکه‌های گسترده رانت‌خواری، فساد و توزیع رانت میان گروه‌های نزدیک به قدرت است. بر اساس این تحلیل‌ها، عملکرد این شبکه ابعاد گسترده‌ای دارد، که از مدیریت تشنگی تا غارت منابع را شامل می‌شود. این شبکه برای بقای خود به تشنگی، مدیریت آن و بهره‌کشی از بحران نیاز دارد تا بتواند منابع حیاتی آب را به سمت پروژه‌های کشاورزی و صنعتی در مناطق خاص جابجا کرده و از توسعه راهکارهای پایدار و توزیع عادلانه آب جلوگیری نماید. بنابراین در پاسخ به چپستی مافیای آب در ایران از نگاه رسانه‌ها، شاید باید آنها را یک ابر ساختار فساد با ترکیب پیچیده‌ای از نهادهای قدرت، پول و سیاست برشمرد. شبکه‌ای قدرتمند و غیررسمی از مقام‌ها و نهادها! با ترکیبی پیچیده از پیمانکاران، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان اقتصادی که از طریق مدیریت تشنگی و محروم‌سازی هدفمند، در پی تحقق منافع خود هستند. در نتیجه، اگر صرفاً بگوییم «مافیایی وجود دارد که از بحران‌سازی تغذیه می‌کند»، راهکار «افشاگری و برخورد قضایی» خواهد بود. اما اگر تحلیل اقتصاد سیاسی را بپذیریم، این سیستم (اقتصاد رانتی + حکمرانی متمرکز غیرشفاف) است که ناگزیر به تولید الیگارشی‌های آبی می‌انجامد و تا این ساختار تغییر نکند، هر مافیا که برچیده شود، مافیای بعدی از همان رانت و همان بحران‌ها متولد خواهد شد.